



New Approaches to  
**Quran and Hadith Studies**

Vol. 50, No. 2, Issue 101  
Autumn & Winter 2018 - 2019

DOI: 10.22067/naqhs.v50i2.48177

رهیافت‌هایی در  
**علوم قرآن و حدیث**

سال پنجاهم، شماره ۲، شماره پیاپی ۱۰۱  
پاییز و زمستان ۱۳۹۷، ص ۷۹-۱۰۲

## **استدلال به خالقیت خداوند؛ روش آموزش توحید ربوبی در قرآن، از دیدگاه علامه طباطبایی\***

دکتر حسن شکراللهی

استادیار دانشگاه پیام نور

Email: h.shokr@pnu.ac.ir

دکتر محمد داوودی<sup>۱</sup>

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

Email: mdavoudi@rihu.ac.ir

دکتر سید جواد قندیلی

استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: ghandili@um.ac.ir

### **چکیده**

توحید در ربوبیت یکی از مراتب توحید است که در آیات فراوانی از قرآن کریم، به مخاطبان آموزش داده شده است. در آموزش توحید در ربوبیت در قرآن، روش‌های متعددی به کار رفته است که مهم‌ترین آن‌ها روش «استدلال» است؛ که از آن میان نیز، استدلال به خالقیت خداوند کاربرد فراوانی دارد؛ زیرا مخاطبان اولیه قرآن یعنی مشرکان و بت‌پرستان، خالقیت خداوند را باور داشتند و شرک آن‌ها عمدتاً در ربوبیت و تدبیر امور عالم بود. این مقاله با استفاده از قواعد تفسیر انجام شده و هدف آن کشف، بررسی و تبیین انواع استدلال به خالقیت خداوند برای آموزش توحید ربوبی در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که از دیدگاه علامه، این استدلال دارای انواع سه‌گانه استدلال به این‌همانی ربوبیت و خالقیت، استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت، و استدلال به خلقت ممزوج با تدبیر است.

**کلیدواژه‌ها:** روش استدلال، آموزش توحید، خالقیت، ربوبیت، قرآن، علامه طباطبایی.

\*. تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۴/۱۵؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۶/۰۲/۳۰.

۱. نویسنده مسئول

## مقدمه

در هندسه معرفتی قرآن، توحید اصلی‌ترین و مهم‌ترین رکن است و معارف دیگر، بازگشت به توحید دارد. از این‌رو، آموزش توحید در قرآن، از مهم‌ترین و محوری‌ترین مسائل بیان شده در قرآن است؛ و طبیعتاً برای این هدف از روش‌هایی بهره برده که می‌توان با بررسی آیات به جستجو و کشف و استخراج آن‌ها پرداخت. این روش‌ها را یا خود خداوند در قرآن برای آموزش انسان به کار برده، یا روش‌هایی است که خداوند به انبیاء (ع) آموخته و اجرای آن را از ایشان خواسته، و یا روش‌هایی است که انبیاء (ع) در آموزش‌های خود به کار برده‌اند و خداوند تأیید کرده است.

یکی از مراتب توحید، توحید در ربوبیت است. بر اساس تعریف قرآنی توحید افعالی - که توحید در ربوبیت یکی از مصادیق آن است - توحید در ربوبیت یعنی ربوبیت مطلق خداوند؛ یعنی چون وجود خداوند نامحدود است، علاوه بر این که او خالق و مالک مطلق عالم هستی و موجودات است، «رب» مطلق آن‌ها نیز هست و غیر او، جلوه‌ای از ربوبیت او و ابزاری برای تحقق ربوبیت او هستند.

با بررسی آیات توحید در ربوبیت، به همراه تفسیر مفسر گرانسنگ علامه طباطبایی از آن‌ها، روش‌های متعددی برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن به دست می‌آید که در آن میان، روش استدلال، آن هم استدلال به خالقیت خداوند، اصلی‌ترین و مهم‌ترین روش محسوب می‌شود؛ زیرا مشرکان بت‌پرست، هر چند شاید حقیقت توحید در خالقیت و لوازم آن را ادراک نکرده باشند (طباطبایی، ۱۶/۲۳۱)، ولی اصل خالقیت خداوند برای عالم هستی و خودشان را باور داشتند و وجود آن‌ها را به بت‌ها و دیگر ارباب خودپنداشته نسبت نمی‌دادند: «ولئن سألتهم من خلق السموات والأرض ليقولن الله» (زمر: ۳۸)، «و اگر از آنان بپرسی: چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟ هر آینه گویند: خدا»؛ و «ولئن سألتهم من خلقهم ليقولن الله» (زخرف: ۸۷)، «و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنان را آفریده است هر آینه گویند: خدا».

مشکل مشرکان بت‌پرست در تدبیر امور عالم توسط خداوند یعنی ربوبیت او بود؛ این‌گونه که به جای اعتقاد به ربوبیت مطلق برای خداوند، به ربوبیت بت‌ها و سایر موجودات اعتقاد داشتند و هر یک از آن‌ها را مدیر بخشی از امور عالم می‌دانستند. و از همین‌رو، آن‌ها را عبادت نیز می‌کردند و از آن‌ها حاجت می‌خواستند (جوادی آملی، توحید در قرآن، ۵۲۲).

بنابراین، همان‌گونه که علامه طباطبایی - در جای‌جای تفسیر المیزان (طباطبایی، ۷/۲۹۱، ۱۶/۱۴۸، ۱۷/۲۶۶) - و دیگران (سبحانی، مفاهیم القرآن، ۱/۳۲۰؛ همو، منشور جاوید، ۲/۲۵۷؛ جوادی آملی، تسنیم، ۸/۱۳۹) یادآور شده‌اند، هدف اصلی از طرح مسأله «توحید در خالقیت» در شماری از آیات قرآن،

استفاده برای اثبات لوازم آن، مانند توحید در ربوبیت، توحید در الوهیت و توحید در عبودیت است؛ و اثبات خود این مسأله، از اهداف فرعی محسوب می‌شود. هم‌چنین مهم‌ترین برهان‌های قرآن کریم بر توحید در ربوبیت، بر پایه وحدت خالق و وحدت نظام استوار شده است (جوادی آملی، توحید در قرآن، ۴۲۶ - ۴۲۷؛ سبحانی، مفاهیم القرآن، ۱/ ۵۶ - ۳۶۰).

بر این اساس، با توجه به این‌که علامه طباطبایی مسأله استدلال به خالقیت خداوند و روش‌های گوناگون آن را برای اثبات توحید در ربوبیت در قرآن به نیکی شناسایی و تبیین کرده است، مسأله ما در این تحقیق، بررسی و تبیین دیدگاه ایشان در این باره است.

## مفهوم شناسی

### استدلال

استدلال، برآیند تفکر استنتاجی است که در آن، ذهن از دو یا چند گزاره‌ای که مسلم گرفته است به یک نتیجه دست می‌یابد. با توجه به این‌که استدلال در قالب الفاظ ریخته می‌شود، در تعریفی ساده از آن، گفتار یا نوشتاری را گویند که برای اثبات مسأله‌ای ارائه می‌شود (حیدری، ۷۱).

یکی از روش‌های متداول در آموزش دین و معارف دینی روش استدلال است. در این روش آموزه‌های دینی بر اساس معیارهای عقلی مشخص شده در علم منطق اثبات می‌شود. استدلال در قرآن، یکی از روش‌های اصلی آموزش معارف دینی - به ویژه معارف اعتقادی دین - محسوب می‌شود؛ روشی که می‌توان آن را بر آنچه قرآن «حکمت» نامیده است تطبیق کرد (طباطبایی، ۱۲/ ۳۷۲): «ادع إلی سبیل ربک بالحکمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي أحسن» (نحل: ۱۲۵) «[مردم را] با حکمت (گفتار درست و استوار) و پند نیکو به راه پروردگارت بخوان، و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است مجادله و گفتگو کن». استدلال‌های قرآن جامع میان دو اسلوب خطابه و برهان است؛ خطابه برای اقناع مخاطب عام، و برهان برای اثبات مطلوب برای مخاطب خاص (معرفت، ۵/ ۴۱۳)؛ ولی به هر دلیل، قرآن نمی‌کوشد که همه معارفش را با استدلال‌های منطقی و فلسفی ارائه کند.

در روش استدلال، سه شیوه قیاس، استقراء و تمثیل به کار گرفته می‌شود. استدلال قیاسی استدلال از کل به جزء، استدلال استقرائی استدلال از جزء به کل، و استدلال تمثیلی استدلال از جزء به جزء است (مظفر، ۲۰۲). مراد از استدلال در این تحقیق، استدلال به شیوه قیاس است.

### آموزش

از نظر برخی، آموزش یعنی یاد دادن (شریعتمداری، ۱۸)؛ یعنی هر گونه فعلیتی که از سوی یک

یاددهنده به منظور ایجاد یادگیری در یک یادگیرنده انجام می‌شود (مشایخی راد، ۲۴). طبق این تعریف، هدف آموزش یادگیری است.

برخی دیگر با افزودن قید «آسان ساختن» به یادگیری، آموزش را اینگونه تعریف کرده‌اند: «آموزش به فعالیت‌هایی گفته می‌شود که با هدف آسان ساختن یادگیری از سوی آموزگار یا معلم طرح‌ریزی می‌شود و بین آموزگار و یک یا چند یادگیرنده به صورت کنش متقابل جریان می‌یابد» (سیف، ۳۰). ولی با توجه به این که این تعریف ویژه آموزش رو در روی کلاسی است و انواع دیگر آموزش را در بر نمی‌گیرد، در تعریف جامع آموزش گفته‌اند: «هر گونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای که هدف آن آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است» (همان). به هر حال، بر اساس تعریف‌های پیش گفته، رکن اصلی و هدف آموزش، «یادگیری» است؛ ایجاد یا آسان ساختن آن. بنابراین لازم است منظور از یادگیری نیز مشخص شود.

در باره یادگیری، نظریه‌های گوناگونی از سوی روان‌شناسان تربیتی ارائه شده است؛ که در یک تقسیم‌بندی اجمالی، به دو دسته اصلی نظریه‌های رفتارگرایی و نظریه‌های شناخت‌گرایی تقسیم می‌شود (هیلگارد و باور، ۴۳ - ۵۲۰؛ لفرانسوا، ۳۵ - ۲۳۵؛ شانک، ۴۷ - ۵۹۸؛ کدیور، ۹۷ - ۱۶۲). بر اساس نظریه‌های رفتارگرایی، یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبت به پایدار در رفتار آشکار فرد گفته می‌شود؛ ولی در نظریه‌های شناخت‌گرایی، یادگیری ایجاد تغییر در فرآیندهای شناختی و ذهنی مانند ادراک امور، سازمان‌دهی و تجزیه و تحلیل داده‌ها، درک معنا و ... است (سیف، ۲۵۸).

بر این اساس، منظور از آموزش توحید ربوبی در این تحقیق، ایجاد یادگیری و تغییر به هر دو معنا در مخاطب است؛ یعنی هم ایجاد تغییر شناختی و ذهنی مخاطب به سوی توحید در الوهیت؛ یعنی اعتقاد به این که تنها خداوند شایسته عبادت و پرستش است؛ هم ایجاد تغییر در رفتار مخاطب به سوی توحید در عبادت؛ یعنی در عمل، تنها خداوند را عبادت و پرستش کردن.

بر اساس آموزه‌های قرآنی نیز دعوت به توحید در الوهیت و توحید در عبادت، عصارة دعوت همه پیامبران (ع) است: «و ما أُولسنا من قبلک من رسولٍ إلاّ نوحی إلیه أنه لا إله إلاّ أنا فاعبدون» (انبیاء: ۲۵). و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر آنکه به او وحی کردیم که خدایی جز من نیست، پس تنها مرا پرستید».

## روش

روش یکی از ارکان اصلی «برنامه درسی» به حساب می‌آید؛ که متضمن مجموعه‌ای از عوامل مؤثر در آموزش است. توضیح کوتاه این که فرآیند یادگیری با عوامل مختلفی ارتباط دارد که هر یک از آن‌ها در

جریان و چگونگی تحقق یادگیری مؤثر است. هنگامی که همه این عوامل مؤثر در یادگیری به صورت یک نظام دیده شود و هر عامل جزئی از یک کل محسوب شود، به مجموعه این نظام، «برنامه درسی» گفته می‌شود که علاوه بر روش آموزش، برخی دیگر عوامل اصلی آن عبارت است از: اهداف، محتوا، مواد آموزشی، زمان، فضا و ارزشیابی (ملکی، ۸ - ۱۹). رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه، عوامل اصلی را چهار عامل اهداف، محتوا، روش و ارزشیابی معرفی می‌کند (مهرمحمدی، ۵۷). این عوامل چهارگانه، یک الگوی مفهومی را شکل می‌دهند به گونه‌ای که در رابطه تعاملی با یکدیگر، برنامه درسی را به صورت یک سیستم هماهنگ به وجود می‌آورند. در چنین سیستمی نوع روش‌های آموزشی به منظور دستیابی به اهداف برنامه، متأثر از نوع محتوا هستند (تایلر، ۱۰).

روش را از نظر کلی، هر گونه برنامه، فعالیت، و ابزاری دانسته‌اند که برای دستیابی به هدف یا اهدافی، به کار گرفته می‌شود (آلن بیرو، ۲۲۳؛ شایان مهر، ۲۹۶)؛ در تعلیم و تربیت، برخی، روش را راه به کارگیری قواعد، شیوه‌ها و فنون آموزشی برای رسیدن به اهداف آموزشی تعریف کرده‌اند (حسینی‌زاده، ۲۸)؛ و برخی، این راه را ناظر به انواع فعالیت‌های اختیاری دانسته‌اند (گروهی از نویسندگان، ۴۵۰). بنابراین، منظور این مقاله از روش استدلال به خالقیت خداوند برای آموزش توحید ربوبی در قرآن، این است که این نوع استدلال، یکی از فعالیت‌هایی است که در قرآن برای دستیابی به اهداف آموزش توحید ربوبی انجام شده و ما در پی آنیم که آن را بررسی و تبیین کنیم.

## ربوبیت

«رب» دارای دو کاربرد مصدری و وصفی است که «ربوبیت»، مصدر اختصاصی آن در کاربرد وصفی برای «الله» است (راغب اصفهانی، ۳۳۷). بنابراین، ربوبیت نیز در واقع، از صفات فعلی خداوند محسوب می‌شود (جوادی آملی، توحید در قرآن، ۴۲۶). در ادامه، معنای این دو کلمه را در این کاربرد بررسی خواهیم کرد.

در منابع لغوی عمدتاً سه معنای «مالک، سید و مصلح» برای کلمه رب بیان شده (فیومی، ۲۱۴؛ جوهری، ۱/۱۳۰؛ ابن منظور، ۱/۳۹۹ - ۴۰۱) و در برخی به جای سه معنا، سه اصل متناسب «اصلاح، ملازمت و ضمیمه بودن»، مدلول این کلمه دانسته شده است (ابن فارس، ۲/۳۸۱ - ۳۸۲).

اما بنا بر تحقیق برخی صاحب نظران، اصل لغوی این ماده، سوق دادن اشیا به سوی کمال و رفع نقائص به واسطه تخلیه و تحلیه (تربیت) است؛ حال آن کمال، از هر جهت و آن شیء، هر موجود کمال‌پذیری مانند انسان، حیوان و نبات باشد. این حقیقت، امری است که با عناوین مختلفی مانند

اصلاح، انعام، تدبیر، سیاست، اتمام و... تعبیر می‌شود. هم‌چنین، مالکیت، ملازمت و مصاحبت، سیادت و... همه از لوازم و آثار معنای اصلی پیش‌گفته است که هر یک به حسب مقام و متناسب با موضوع قابل بیان است. پس کلمه رب به معنای کسی است که شأن و صفت ثابت او تربیت یعنی سوق دادن اشیا به سوی کمالشان باشد. و هنگامی که در ترکیب‌های اضافی قرآنی برای خداوند مانند «رب العالمین» (حمد: ۱؛ سجده: ۲؛ صافات: ۱۸۱)، «رب کل شیء» (انعام: ۱۶۴)، «رب العرش العظیم» (توبه: ۱۲۹) و... به کار می‌رود، در هر یک به حسب اقتضای موضوع، «تربیت» به گونه‌ای خاص مانند تدبیر، تکمیل، اصلاح و... معنا می‌شود (مصطفوی، ۲۲/۳ - ۲۴).

در مجموع، با پذیرفتن تحقیق پیش‌گفته - که برخی مفسران معاصر نیز آن را تأیید کرده‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۳/۳۲۴؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱/۳۳۱) - باید گفت با این‌که رب از ریشه «ربب» است نه «ربو» (باقری، ۱/۵۳)، از نظر لغوی به معنای مربی، و ربوبیت به معنای تربیت (به همان معنایی که گفته شد) و خالی از همه معانی متعدد دیگر است؛ بلکه این معانی در حقیقت از لوازم و آثار معنای اصلی آن شمرده می‌شود و ممکن است در موارد کاربرد آن در قرآن کریم برای خداوند، معنای مقصود قرار بگیرد.

اما مفسران قرآن، عمدتاً معانی مشخصی برای رب بیان کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را در سه معنا خلاصه کرد: مالک (مکارم شیرازی، ۱/۳۸؛ زمخشری، ۱/۱۰)؛ مدبر و مربی (طبرسی، ۱/۹۷؛ موسوی سبزواری، ۱/۳۲؛ مصباح یزدی، ۱۷۲؛ آلوسی، ۱/۸۰)؛ و مالک مدبر (طوسی، ۱/۳۲؛ طباطبایی، ۱/۲۱؛ صادقی تهرانی، ۱/۹۴)؛ ولی دسته‌ای - با روی‌کرد پذیرفته شده در جمع‌بندی معنای لغوی - میان معنای اصلی کلمه رب با معنای کاربردی آن در قرآن حتی درباره خداوند تفاوت گذاشته‌اند؛ ایشان معنای اصلی را با کمی اختلاف در تعبیر، مدبر و مربی، و معانی دیگر را لوازم یا مضادین این معنا دانسته‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۳/۳۲۴؛ جوادی آملی، تسنیم، ۱/۳۳۱؛ سبحانی، مفاهیم القرآن، ۱/۳۴۶ - ۳۴۷).

هر چند برخی مفسران برای تبیین و تفسیر معنای رب در قرآن، از خود آیات قرآن کریم کمک گرفته‌اند، ولی شاید هیچکدام مانند علامه طباطبایی یک استدلال کامل قرآنی برای معنای رب از نظر قرآن ارائه نکرده‌اند. ایشان با استدلال به چندین مجموعه از آیات، نتیجه می‌گیرند که «ربوبیت» دارای دو رکن اصلی «مالکیت» و «تدبیر» است؛ و از این‌رو، معنای رب از دیدگاه قرآن، «مالک مدبر» است (طباطبایی، ۱۴/۱۲۳؛ همان، ۱۷/۲۳۸). در واقع، با اثبات مالکیت حقیقی برای خداوند، تدبیر هم برای او ثابت خواهد شد؛ چرا که این دو از هم انفکاک‌ناپذیر است؛ زیرا اگر یک چیز در اصل وجودش، غیر مستقل و وابسته به دیگری باشد، در آثار وجودش قطعاً این‌گونه است. بنابراین، خداوند که منشأ اصل وجود موجودات و

مالک آن‌ها است، منشأ آثار وجودی آن‌ها یعنی مدبر آن‌ها نیز هست. پس در یک کلام، خداوند، مالک مدبر یعنی رب همه موجودات است (همان، ۲۱/۱).

بنابراین، معنای نهایی و برگزیده در این مقاله برای رب و ربوبیت در قرآن، همان معنای بیان شده از سوی علامه طباطبایی است؛ و در ادامه، کشف روش استدلال برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن، بر این مبنا استوار خواهد شد.

بر اساس نامحدود بودن ذات و صفات الهی، ربوبیت او شامل ربوبیت تکوینی و تشریحی هر دو می‌شود. ربوبیت تکوینی یعنی مالکیت و تدبیر جهان هستی به گونه‌ای که هیچ کس بدون اذن و اراده او نمی‌تواند کوچک‌ترین تأثیری در جهان هستی داشته باشد؛ و ربوبیت تشریحی یعنی مالکیت حق دستور دادن و قانون‌گذاری و تدبیر در آن، به گونه‌ای که هیچ قانونی بدون پشتوانه امضا و اجازه او اعتبار ندارد (مصباح یزدی، ۱۷۲).

### «توحید در ربوبیت» در قرآن

توحید در ربوبیت یعنی اعتقاد به این‌که مالک مدبر مطلق در جهان هستی در دو بعد تکوین و تشریح، خداوند تعالی است. بنابراین، عدم اعتقاد به این اطلاق مالکیت و تدبیر الهی در هر دو بعد یا یکی از آن دو موجب شرک است.

با توجه به این‌که بیشترین مشرکان، شرک در ربوبیت خداوند داشتند نه خالقیت او، قرآن کریم نیز توجه ویژه‌ای به توحید در ربوبیت کرده، ضمن بیان احوال و اقوال مشرکان ربوبی تکوینی و تشریحی در آن زمان و در زمان‌های گذشته، و نوع برخورد و پاسخ پیامبر اسلام (ص) و پیامبران پیشین به آن‌ها، وصف «رب» را برای خداوند - به تنهایی و در ترکیبات اضافی گوناگون به ویژه ترکیب «رب العالمین»<sup>۱</sup> - بیش از سایر اوصاف به کار برده است.

از نظر قرآن کریم، کسانی که مثلاً در زمان حضرت ابراهیم (ع)، ماه و خورشید و ستارگان را مدبر و رب تکوینی برخی از امور عالم،<sup>۲</sup> و کسانی مانند یهود و نصارا که احبار و رهبان خود را مدبر و رب مستقل در تشریح و قانون‌گذاری<sup>۳</sup> می‌دانستند، شرک در ربوبیت دارند.

۱. این واژه و ترکیب‌های آن نزدیک به ۱۰۰۰ بار در قرآن به کار رفته است که بیش از ۴۰ بار آن مربوط به «رب العالمین» است.

۲. «وَكَذَلِكَ نُرَىٰ إِبْرَاهِيمَ مَلِكًا مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ، فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْإِفْلِينَ، فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ، فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ أِنِّي بُرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ، إِنِّي وَجْهَتُ وَجْهِي لِلدِّينِ فَطَرَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۷۵ - ۷۹).

بت پرستان حجاز هم اگر چه ربوبیت مطلق خدا را نسبت به مجموع جهان می‌پذیرفتند (ر.ک: یونس: ۳۱ و ۳۲؛ مؤمنون: ۸۶ و ۸۷)، اما در ربوبیت‌های جزئی مانند رب انسان و رب زمین مشرک بودند و آن را به بت‌ها، ستارگان و قدیسان بشر نسبت می‌دادند و برای آن‌ها مجسمه‌هایی را می‌ساختند و می‌پرستیدند (جوادی آملی، تسنیم، ۱/ ۳۵۲).

«قرآن کریم در آیات فراوانی، از یک سو عمومیت ربوبیت نظام تکوین و تشریح و حصر این سمت را برای خدای سبحان مبرهن می‌کند و از سوی دیگر هر گونه ربوبیت کلی و جزئی را از دیگران سلب می‌نماید» (همو، توحید در قرآن، ۴۲۶).

### هدف و محتوا در آموزش «توحید در ربوبیت» در قرآن

با توجه به این‌که توحید در ربوبیت یکی از مراتب اعتقادی توحید است (مصباح یزدی، ۱۷۲) هدف اصلی از آموزش آن، پیدا شدن اعتقاد به ربوبیت تکوینی و تشریحی مطلق خداوند در یادگیرنده است. البته چه بسا اهداف دیگری نیز در این آموزش قابل دست‌یابی، و در آیات قرآن هدف‌گذاری شده باشد. هم‌چنین، چه بسا آموزش توحید در ربوبیت در مسیر دست‌یابی به هدف دیگری مانند اعتقاد به مراتب بالاتر توحید هم‌چون توحید در الوهیت قرار بگیرد؛<sup>۳</sup> که در آن صورت، روش آموزشی به کار گرفته شده در آیه، روش آموزش هر دو مرتبه از توحید محسوب خواهد شد.

اما محتوای به کار رفته در آیات آموزش توحید در ربوبیت گوناگون است؛ هر چند آن‌طور که در بالا اشاره شد، عمدتاً بر محور موضوع خالقیت خداوند دور می‌زند؛ یعنی اصلی‌ترین محتوا برای استدلال بر آموزش توحید در ربوبیت در قرآن، موضوع خالقیت خداوند است.

### روش استدلال به خالقیت خداوند برای آموزش «توحید در ربوبیت» در قرآن

روش استفاده از خالقیت خداوند و استدلال به آن برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن، خود گوناگون است. به تعبیر برخی از مفسران معاصر، قرآن گاهی ربوبیت را ملازم خالقیت دانسته است؛ و گاهی بر اساس تحلیلی عقلی، ربوبیت را گونه‌ای از خلقت دانسته به طوری که با اثبات توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت نیز ثابت می‌شود (جوادی آملی، تسنیم، ۱/ ۳۵۲). از این‌رو در زیر، انواع

۳. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: ۶۴) و «اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ» (توبه: ۳۱).

۴. مانند آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء: ۲۲) که در آن، برای دست‌یابی به هدف اصلی اثبات توحید در الوهیت، ابتدا توحید در ربوبیت ثابت می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴/ ۲۶۶ - ۲۶۸؛ مصباح یزدی، ۲۴۵ - ۲۵۰).



گوناگون این روش و دسته‌های مختلف آیات مربوط را بررسی می‌کنیم.

### ۱. استدلال به این‌همانی ربوبیت و خالقیت

اولین نوع استدلال به خالقیت خداوند در قرآن برای آموزش ربوبیت او، استدلال به این‌همانی این‌دو است. «گرچه مفهوم ربوبیت با خالقیت تفاوت دارد، لیکن در تحلیل عقلی، حقیقت ربوبیت به خالقیت بازمی‌گردد؛ زیرا تربیب، تربیت، اداره و تدبیر هر شیء عبارت است از دادن کمال‌ها و اوصاف و ارزش‌ها و نیاز آن شیء؛ و چون اعطای کمال‌ها به شیء مستکمل، امری تکوینی است نه اعتباری و قراردادی، بنابراین، تکمیل و تربیب با ایجاد ربط بین آن شیء متکامل و کمال وجودی آن مساوی است؛ و آفرینش کمال برای شینی خاص، خود نوعی خلقت است و در نتیجه، رب همه اشیا همان خالق آن‌هاست» (همان، ۳۶۳/۲).

برخی آیاتی که می‌توان به عنوان نمونه، روش استدلالی این‌همانی ربوبیت و خالقیت را از آن استنباط کرد به همراه تفسیر و تبیین چگونگی این استنباط به شرح زیر است:

۱. «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَدْبُرُ الْأَمْرَ مَا مِّن شَيْءٍ إِلَّا مَن بَعْدَ إِذْنِهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (یونس: ۳)، «همانا پروردگار شما خدای یکتاست که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوره) بیافرید آنگاه بر عرش - مقام فرماندهی بر جهان هستی - برآمد. کار [جهان] را تدبیر می‌کند. هیچ میانجی و شفيعی نیست مگر پس از خواست و فرمان او این است خدای، پروردگارتان پس او را بپرستید، آیا یاد نمی‌کنید و پند نمی‌گیرید؟».

در این آیه شریفه، «رب» همان «الله» خالق دانسته شده است. به عبارت دیگر، ربوبیت «الله» با خالقیت او معرفی و از این طریق، توحید در ربوبیت ثابت شده است.

چرایی کاربرد این روش استدلالی نیز کاملاً روشن است؛ زیرا مخاطب آیه کسانی هستند که خالقیت خداوند را پذیرفته‌اند و در آن هیچ شک و تردیدی ندارند. بنابراین، بر پایه خالقیت پذیرفته شده خداوند، و با بیان این‌همانی ربوبیت و خالقیت، ربوبیت خداوند نیز ثابت و پذیرفته خواهد شد.

در واقع، استدلال قیاسی شکل اول در این آیه برای آموزش توحید در ربوبیت این‌گونه است:

- پروردگار شما خالق آسمان‌ها و زمین است؛

- خالق آسمان‌ها و زمین الله است؛

- نتیجه: پروردگار شما الله است.

علامه طباطبایی نیز «تذکر» منظور از فراز پایانی (أفلا تذكرون) را - که می‌توان آن را هدف آیه از این آموزش تلقی کرد - انتقال فکری به حقیقت توحید در ربوبیت که از راه این‌همانی ربوبیت و خالقیت

حاصل می‌شود تفسیر کرده است. به تعبیر ایشان، «أفلا تذکرون» یعنی چرا فکر شما منتقل به این واقعیت نمی‌شود که رب شما همان خالق شما است تا بفهمید که الله به تنهایی رب شما است و ربی به جز او نیست (طباطبایی، ۱۰/۱۰).

این تفسیر روشن می‌کند که تناسب روش با هدف آموزش نیز در این آیه رعایت شده است؛ زیرا برای دست‌یابی به حقیقت توحید در ربوبیت، از روش استدلال به این‌همانی ربوبیت و خالقیت (که برای مخاطب ثابت شده است) بهره برده است.

۲. «خلق السماوات والأرض بالحق یکوو اللیل علی الفهار ویکوو الفهار علی اللیل وسخرو الشمس والقمر کلّ یجری لأجل مسمی ألا هو العزیز الغفار، خلقکم من نفسی واحدة ثم جعل منها زوجها وأنزل لکم من الأنعام ثمانية أزواج یخلقکم فی بطون أمهاتکم خلقا من بعد خلقی فی ظلمات ثلاث ذلکم الله ربکم له الملك لا إله إلا هو فلنئی تصرفون»، (زمر: ۵ و ۶) «آسمان‌ها و زمین را براستی و درستی آفرید. شب را به روز می‌پیچد و روز را بر شب - یا شب را در روز و روز را در شب درمی‌آرد، یعنی یکی را می‌برد و دیگری را می‌آورد - و خورشید و ماه را رام گردانید، هر یک تا سرآمدی نامبرده روان است، آگاه باشید که اوست توانای بی‌همتا و آمرزگار. شما را از یک تن - یعنی آدم (ع) - آفرید آنگاه همسرش را از او (از جنس او) پدید کرد، و برای شما از چهارپایان هشت جفت فرو فرستاد شما را در شکم‌های مادرانتان می‌آفریند آفرینشی پس از آفرینشی در تاریکی‌های سه گانه. این است خدای، پروردگار شما، او راست پادشاهی و فرمانروایی، خدایی جز او نیست، پس چگونه و به کجا [از پرستش خدا] گردانیده می‌شوید؟»

بر اساس تفسیر و تبیین دقیق علامه طباطبایی، هدف این دو آیه نیز اثبات توحید ربوبیت است؛ و خداوند برای دست‌یابی به این هدف، از روش استدلال به این‌همانی ربوبیت و خالقیت بهره برده است؛ زیرا پس از بیان انواع خلقت و تدبیر خداوند، او را همان رب انسان معرفی می‌کند. به تعبیر ایشان - که پیش از این به تفصیل بیان شد - «رب» انسان، همان مالک مدبر امر او است؛ و چون خداوند، خالق انسان و نظام آفرینشی است که در آن زندگی می‌کند، بنابراین، مالک و مدبر امور او یعنی «رب» او هم هست (طباطبایی، ۱۷/۲۳۶ - ۲۳۸).

بر این اساس، طی دو استدلال قیاسی به شکل زیر، که نتیجه اولی، مقدمه دومی قرار می‌گیرد، توحید در ربوبیت آموزش داده می‌شود:

استدلال ۱:

- پروردگار شما مالک و مدبر امر شما است؛

- مالک و مدبر امر شما خالق شما است؛

- نتیجه: پروردگار شما خالق شما است.

استدلال ۲:

- پروردگار شما خالق شما است.

- خالق شما الله است.

- نتیجه: پروردگار شما الله است.

۳. «یا ایها الناس اذکروا نعمت الله علیکم هل من خالق غیر الله یؤزقکم من السماء والأرض لا إله إلا هو فلأنی توفکون» (فاطر: ۳) «ای مردم، نعمت خدای را بر خود یاد کنید آیا جز خدا آفریدگاری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ خدایی جز او نیست، پس چگونه و به کجا گردانیده می شوید؟» هدف اصلی این آیه، اثبات و آموزش توحید در ربوبیت است؛ هر چند که آموزش ضمنی توحید در خالقیت نیز هدف فرعی آن محسوب می شود.

بر اساس تفسیر علامه طباطبایی می توان روش استدلال به این همانی ربوبیت و خالقیت را برای دستیابی به هدف پیش گفته از این آیه استنباط کرد؛ زیرا سیاق آیه که درباره رازقیت خداوند است، اقتضا می کند که خداوند می فرمود: «هل من رازق او منعم غیر الله یرزقکم»؛ پس تعبیر «هل من خالق غیر الله یرزقکم» دلالت می کند که خالق نعمت ها - که مخاطب به خالقیت او اقرار و اعتراف می کند - همو رازق و منعم نعمت ها است (طباطبایی، ۱۶/۱۷)؛ و از آنجا که رازقیت یکی از مصادیق اصلی ربوبیت است، پس در واقع، این آیه با استفاده از روش این همانی خالقیت و ربوبیت (نه ربوبیت و خالقیت)، به هدف اصلی آن یعنی آموزش توحید در ربوبیت دست می یابد و ثابت می کند که خالق این عالم با پروردگار آن یکی و آن الله است.

بنابراین، در این آیه نیز با دو شکل استدلال قیاسی که نتیجه یکی، مقدمه دیگری واقع می شود، هدف آموزش توحید در ربوبیت به دست می آید:

استدلال ۱:

- خالق روزی انسان رازق آن هم هست؛

- رازق روزی انسان، پروردگار او است؛

- نتیجه: خالق روزی انسان، پروردگار او است.

استدلال ۲:

- خالق روزی انسان، پروردگار او است؛

- خالق روزی انسان، الله است؛

– نتیجه: پروردگار انسان الله است.

از بررسی و تحلیل آیات پیش‌گفته، درباره روش استدلال به این‌همانی ربوبیت و خالقیت برای آموزش توحید در ربوبیت، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. این روش، روش عقلانی بسیار ساده و در عین حال متقنی برای آموزش توحید در ربوبیت است؛ زیرا متریبی کسی است که اولاً خالقیت خداوند را پذیرفته و شک و تردیدی در آن ندارد؛ ثانیاً خالقیت خداوند برای او ملموس‌تر است و به واسطه وجود خویش، نسبت به آن علم حضوری دارد؛ در حالی‌که ربوبیت خداوند، مقوله پیچیده‌تری است که به سادگی ادراک نمی‌شود.

۲. اگر چه متریبی خالقیت خداوند را پذیرفته است، ولی در عین حال برای یادآوری و تثبیت هر چه راحت‌تر و سریع‌تر آن، از خالقیت خداوند نسبت به موارد کاملاً محسوس و قابل مشاهده مانند آسمان و زمین، انسان، شب و روز، چارپایان، روزی‌ها و نعمت‌ها و ... مثال زده می‌شود.

۳. از استدلال به این‌همانی ربوبیت و خالقیت خداوند به دست می‌آید که بسیاری از آیات مربوط به خلقت خداوند – به ویژه آیات همراه با جزئیات تدبیری – در واقع، آیات ربوبیت هستند و خداوند آن‌ها را برای اثبات توحید در ربوبیت به کار برده است.

۴. غیر خداوند که – حتی به اعتراف مشرکان و بت‌پرستان – هیچ‌گونه آفرینشی ندارند، هیچ‌گونه تدبیری نیز ندارند؛ چرا که تدبیر، همان ادامه خلقت است. پس اعتراف ایشان به توحید در خالقیت خداوند، در واقع، اعتراف به توحید در ربوبیت است که خود از آن غافل‌اند.

اگر مشرکان در جایی هم، شرک در خالقیت از خود بروز داده، و خداوند آن‌ها را به توحید در خالقیت فراخوانده است،<sup>۵</sup> این شرک واقعی نیست؛ بلکه برای نپذیرفتن لازم آن یعنی توحید در ربوبیت است؛ و از آن سو، فراخوانی ایشان به توحید در خالقیت نیز برای اثبات توحید در ربوبیت است. از این‌رو، هدف اصلی در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره لقمان<sup>۶</sup> – که پس از برشمردن برخی آفرینش‌های خداوند، از مشرکان درخواست می‌کند که آفرینش خدایان‌شان را نشان دهند – اثبات توحید در ربوبیت و به چالش کشاندن آن‌ها در آن است (طباطبایی، ۲۱۱/۱۶).

جالب‌تر آن‌که در برخی آیات مشابه، مانند آیات ۳۸ و ۳۹ سوره فاطر<sup>۷</sup>، حتی بدون اشاره به خالقیت خداوند و تنها با بیان مواردی از تدبیر او، درخواست نشان دادن آفرینش خدایان از مشرکان شده است. و

۵. مانند آیه «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ» (رعد: ۱۶).

۶. «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضَ فِي أَلْفِ يَوْمٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ. هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ» (لقمان: ۱۰ – ۱۱).

۷. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرَهُمْ إِلَّا مَقْتًا وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ

این به وضوح هر چه بیش تر، بر عینیت خالقیت و ربوبیت و استدلال برای توحید در ربوبیت دلالت می‌کند؛ زیرا اگر خدایان دروغین، آفرینش داشتند پس حتماً تدبیر هم خواهند داشت و درخواست نشان دادن آفرینش، در واقع یعنی درخواست نشان دادن تدبیر و ربوبیت (طباطبایی، ۱۷/۵۳-۵۴).

۵. روش آموزشی برداشت شده از آیات، با محتوا و هدف آموزشی آن‌ها تناسب کامل دارد. بازخوانی مجدد این تناسب این گونه است که برای ایجاد اعتقاد به ربوبیت مطلق و نامحدود خداوند (هدف)، با توجه به پذیرش خالقیت او از طرف مخاطب (محتوا)، با استدلال به این همانی خالقیت و ربوبیت (روش)، توحید در ربوبیت آموزش داده شده است. بنابراین، مجموعه این هدف، محتوا و روش آموزشی، ارکان اصلی یک برنامه درسی برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن را تشکیل می‌دهند.

## ۲. استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت

دومین نوع استدلال به خالقیت خداوند در قرآن برای آموزش ربوبیت او، استدلال به تلازم این دو است. تلازم ربوبیت با خالقیت یعنی لزوم این آفریدگار است که می‌تواند پروردگار باشد؛ «چون کسی که چیزی را نیافریده و هیچ گونه سلطه تکوینی و مالکیت حقیقی بر آن ندارد و قهر از جهات درونی و هدف و سود و زیان آن آگاه نیست، چگونه می‌تواند آن را پروراند و به کمال برساند؟ این کار یعنی پروراندن، تنها در توان کسی است که آفریننده و مالک آن چیز است و از همه جهات درونی و بیرونی آن آگاه است و او جز خدای خالق و مالک، کسی دیگر نیست» (جوادی آملی، توحید در قرآن، ۴۲۶).

استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت در قرآن، تفکیک میان رب و خالق از سوی بت پرستان و اعتقاد ایشان به ارباب متعدد در اداره امور عالم را باطل می‌کند؛ زیرا لازمه اعتقاد آن‌ها به خالقیت آفریدگار یکتا، پذیرش پروردگار یکتا و ربوبیت مطلق او است.

برخی از آیات شامل این روش به همراه تبیین و بررسی آن‌ها به شرح زیر است:

۱. «اللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ، ذَلِكَمَ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ» (غافر: ۶۱ و ۶۲)، «خدا آن است که شب را برای شما پدید کرد تا در آن بیارامید و روز را روشن ساخت- تا در آن بینید و روزی بجوید- همانا خدا خداوند فزون‌بخشی است بر مردم، ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گزارند. این است خدای، پروردگار شما، که آفریننده هر چیزی است، خدایی جز او نیست، پس کجا و چگونه [از وی] گردانیده می‌شوید؟»

كفُّهُمْ إِلَّا خَسَارًا، قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ... (فاطر: ۳۸ - ۳۹).

با توجه به این‌که در اولین آیه از این آیات، تنها تدبیر خداوند در قرار دادن شب برای آرمیدن انسان و روز برای سعی و تلاش او برشمرده شده، در ابتدای آیه دوم، به ربوبیت او تصریح شده است (طباطبایی، ۱۷/۳۴۵)؛ ولی از آنجا که ربوبیت، ملازم با خالقیت است، بلافاصله در فراز بعدی، به خالقیت مطلق خداوند تصریح شده است. به عبارت دیگر، هر چند در آیه اول، هیچ‌گونه ذکری از خالقیت به میان نیامده است، ولی از آنجا که ربوبیت لازمه خالقیت است، پس قطعه این بیان تدبیر خداوند نسبت به چگونگی بهره بردن از شب و روز، از خالقیت او نسبت به اصل شب و روز حکایت می‌کند.

تبیین برخی مفسران از این تلازم این‌گونه است که خالقیت خداوند، تنها به ایجاد مخلوق و رها کردن آن به حال خود نیست؛ بلکه در ادامه نیز باید فیض الهی در هر لحظه به طور مستمر بر مخلوقات جاری باشد؛ که این جریان استمراری فیض خداوند، همان تدبیر و ربوبیت او نسبت به مخلوقات است. به عبارت دیگر می‌توان گفت فراز «خالق کل شیء»، دلیل فراز «ذلکم الله ربکم» است (مکارم شیرازی، ۱۵/۳۰۴)<sup>۸</sup>. بنابراین، همان‌طور که علامه طباطبایی نتیجه‌گیری کرده است، با فرض توحید در خالقیت، و اضافه شدن تلازم ربوبیت و خالقیت به آن، توحید در ربوبیت ثابت می‌شود (طباطبایی، ۱۷/۳۴۵).  
بر این اساس، شکل استدلال قیاسی به تلازم ربوبیت و خالقیت برای آموزش توحید در ربوبیت این‌گونه است:

- خداوند خالق هر چیزی است؛

- لازمه خالق بودن یک چیز، رب بودن آن است؛

- نتیجه: خداوند، رب هر چیزی است.

۲. «الله الذی خلق السماوات والأرض وما بینهما فی ستة أيام ثم استوی علی العرش ما لکم من دونه من ولی ولا شفیع أفلا تتذکرون» (سجده: ۴)، «خداست آن که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آن‌هاست در شش روز (دوره) بیافرید، سپس بر عرش (مقام فرمان‌روایی بر جهان آفرینش) برآمد، شما را جز او هیچ سرپرست و کارسازی و هیچ شفיעی نیست، آیا یاد نمی‌کنید و پند نمی‌گیرید؟»

برای بیان استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت در این آیه به منظور اثبات توحید در ربوبیت، توجه به چند نکته تفسیری لازم است (طباطبایی، ۱۶/۲۴۴-۲۴۵):

۱. مخاطب آیه، مشرکانی هستند که در آیه پیش از این<sup>۹</sup>، افترای آن‌ها به پیامبر (ص) درباره از

۸. علامه طباطبایی نیز پس از تحلیل فراز «ذلکم الله ربکم» به عبارت «و رب کلشی»، فراز «خالق کل شیء» را دلیل آن دانسته است: «و قوله: خالق کل شیء، ای و رب کل شیء لانه خالق کل شیء و الخلق لا ینفک عن التدبیر و لازم ذلک ان لا یکون فی الوجود رب غیره لا لکم و لا لغيرکم» (رک: طباطبایی، ۱۷/۳۴۵).

۹. «أم یقولون افتراء بل هو الحق من ربک لئنذر قومًا ما آتاهم من نذیر من قبلك لعلهم یهتدون» (سجده: ۳).

خودساختگی قرآن نقل شده است؛

۲. با توجه به پذیرش توحید در خالقیت از طرف چنین مخاطبی، هدف آیه از بازگو کردن خالقیت خداوند، دیگر اثبات خالقیت او نیست؛ بلکه اثبات لوازم آن یعنی ربوبیت و الوهیت است. علاوه بر آن که تعبیر «یدبر الأمر من السماء إلى الأرض» در ابتدای آیه پس از این<sup>۱۰</sup>، قرینه‌ای بر برداشت چنین هدفی از آیه است؛

۳. فراز «ثم استوی على العرش» اساس کنایه از مقام تدبیر موجودات، و به نظام درآوردن همه آن‌ها در نظامی است که حاکم بر آن‌ها باشد. علاوه بر این که «ولیی» و «شفیع» بودن خداوند نیز از شؤون تدبیری او است که پس از اشاره به خالقیتش نسبت به آسمان‌ها و زمین، و به دلیل تلازم آن‌ها با هم ذکر شده است. بر این اساس، با توجه به تعیین هدف آیه، ذکر مواردی از ربوبیت خداوند به عنوان امور ملازم با خالقیت او، و استدلال به این تلازم برای اثبات توحید در ربوبیت، بهترین روشی است که برای آموزش این مرتبه از توحید به مخاطب خاص به کار گرفته شده است.

بنابراین شکل استدلال قیاسی به کار گرفته شده در این آیه برای آموزش توحید در ربوبیت، با این فرض که منظور از آسمان و زمین و مابین این دو همه جهان هستی است، این گونه است:

- خداوند، خالق جهان هستی است؛

- لازمه خالق بودن یک چیز، رب بودن آن است؛

- نتیجه: خداوند، رب جهان هستی است.

۳. «قال أفرأیتم ما کنتم تعبدون، أنتم و آبائکم الأقدمون، فإنهم عدو لی إلا رب العالمین، الذی خلقنی فهو یدین. (شعراء: ۷۵-۷۸) گفت: آیا دیده‌اید- یا دانسته‌اید، یعنی ببینید و بدانید- آنچه می‌پرستیده‌اید، شما و پدران پیش‌ترتان؟ همانا آن‌ها دشمن من‌اند، مگر پروردگار جهانیان، آن که مرا آفرید پس همواره مرا یدین نماید».

این آیات، یکی دیگر از احتجاجات حضرت ابراهیم (ص) با بت‌پرستان زمان خود را حکایت می‌کند. وی در این احتجاج، پس از استثنای خداوند - به عنوان «رب العالمین» - از حکم عداوتی که برای معبودهای دروغین صادر کرده بود، اصلی‌ترین صفت پروردگار را خلقت ملازم با هدایت - که از مصادیق اصلی تدبیر و ربوبیت است - بر می‌شمارد؛ تلازمی که در اینجا با فاء تفریع نشان داده شده و با آمدن فعل مضارع، بر استمرار جنبه ربوبی آن تأکید شده است (طباطبایی، ۱۵/۲۸۳).

نکته‌ای که علامه طباطبایی در تبیین تلازم ربوبیت و خالقیت در این آیه از آن استفاده می‌کند، مسأله

۱۰. «یدبر الأمر من السماء إلى الأرض ثم یرجأ إلیه فی یوم کان مفذارة ألف سنه مما تعدون» (سجده: ۵).

تدریجی الوجود بودن موجودات جسمانی است که تفکیک خلق و تدبیر در آن‌ها را غیر معقول می‌سازد: «برهان اینکه تدبیر عالم قائم به خود خدای تعالی است، همین است که خلقت عالم و ایجاد آن قائم به او تنهایی است؛ زیرا پر واضح است که خلقت از تدبیر منفک نمی‌شود و معقول نیست که در این موجودات جسمانی و تدریجی الوجود که هستیش به تدریج تکمیل می‌شود، خلقت قائم به کسی، و تدبیر قائم به کسی دیگر باشد، و از آنجا که می‌دانیم خلقت عالم قائم به خدای سبحان است، پس ناگزیر باید بدانیم که تدبیرش نیز قائم به اوست»<sup>۱۱</sup> (موسوی همدانی، ۱۵/۳۹۶).

تدریجی بودن وجود این موجودات یعنی آن‌ها بعد از ایجاد اولیه، ادامه وجود را به صورت تدریجی و آن به آن سوی مبدأ فیض وجود دریافت می‌کنند. حال با توجه به این که مبدأ اصل وجود (خلقت) با منشأ ادامه وجود (تدبیر) یکی و آن خداوند است، تفکیک خالقیت از ربوبیت، غیر ممکن و غیر معقول است. به عبارت دیگر، وجود یک موجود جسمانی، از نقطه خلقت و ایجاد اولیه آغاز می‌شود و در مراحل بعدی با تدبیر ربوبی خداوند، افزایش و تکمیل می‌یابد.

و این همان مطلبی است که علامه طباطبایی در ذیل آیه ۴۱ سورة فاطر<sup>۱۲</sup> نیز یادآور شده‌اند؛ آنجا که وحدت منشأ احداث و ابقاء موجودات را صریحاً دلیلی بر توحید در ربوبیت دانسته‌اند؛ زیرا با پذیرش دونیت احداث و ابقاء، باید بدانیم همان‌طور که احداث شیء (خلقت)، ایجاد بعد العدم است، ابقاء موجودات (تدبیر)، ایجاد بعد الوجود به صورت مستمر است؛ به عبارت دیگر، هر دو مقوله ایجاد است و نیاز به موجد دارد که - حتی در نزد مشرکان و بت‌پرستان - خداوند تعالی است. بنابراین، خالق و مدبر عالم هستی یکی و آن خداوند است (طباطبایی، ۱۷/۵۵).

هم‌چنین از نظر علامه طباطبایی، صفاتی که در آیات بعدی<sup>۱۳</sup> به خداوند نسبت داده شده، مصادیق دنیوی و اخروی هدایت است که از باب ذکر خاص بعد از عام، به طور تفصیلی ربوبیت خداوند را آشکار کرده، از طریق بیان تلازم آن‌ها با خالقیت، توحید در ربوبیت را آموزش می‌دهد (طباطبایی، ۱۵/۲۸۴).

بنابراین استدلال قیاسی به کار گرفته شده در این آیه برای آموزش توحید در ربوبیت، در واقع دو استدلال است که نتیجه استدلال اول، مقدمه دوم استدلال دوم واقع می‌شود و شکل منطقی آن‌ها این‌گونه

۱۱. «و البرهان علی قیام التدبیر به تعالی قیام الخلق و الإیجاد به لوضوح أن الخلق و التدبیر لا ینفکان فی هذه الموجودات الجسمانیة التدریجیة الوجود الّتی تستکمل الوجود علی التدریج فلیس من المعقول أن یقوم الخلق بشیء و التدبیر بشیء و إذ کان الخلق و الإیجاد لله سبحانه فالتدبیر له ایضاً. و لهذا عطف الهدایة علی الخلق بغناء التفریع فدل علی أنه تعالی هو الهادی لأنه هو الخالق» (طباطبایی، ۱۵/۲۸۳).

۱۲. «إن اللّٰه یمسک السمّوات والأرض أن تزولا وکلن زالتا إن أمسکهما من أحد من بعده إنه کان خلیماً غفوراً» (فاطر: ۴۱).

۱۳. «والذی هو یطعمنی و یسقین، و إذا مرضت فهو یشفین، والذی یمیتنی ثم یربّینی، والذی أطمّح أن یغفر لی خطیئتی یوم الدّین» (شعراء: ۷۹ - ۸۲)



است:

#### استدلال ۱:

- موجودات جسمانی، تدریجی الوجود هستند؛
- تفکیک خلق و تدبیر در موجودات تدریجی الوجود غیر معقول است؛
- نتیجه: تفکیک خلق و تدبیر در موجودات جسمانی غیر معقول است.

#### استدلال ۲:

- خداوند خالق موجودات جسمانی است؛
- تفکیک خلق و تدبیر در موجودات جسمانی غیر معقول است؛
- نتیجه: خداوند، رب موجودات جسمانی است.

از بررسی و تحلیل آیات پیش گفته، درباره روش استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت برای آموزش توحید در ربوبیت، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. روش استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت همانند روش پیشین، یکی از بهترین روش‌های استدلالی قرآن برای آموزش توحید در ربوبیت به مخاطبانی است که خالقیت خداوند و توحید در آن را باور دارند. بنابراین معلمان و مربیان باید ضمن ادراک کامل این تلازم، از آن برای آموزش توحید در ربوبیت به متریبان به خوبی و به درستی بهره بگیرند.

۲. این روش، روش عقلانی‌ای است که در نوع خود نسبتاً ساده و نسبت به روش پیشین، پیچیده‌تر است؛ زیرا ادراک مقوله تلازم میان دو چیز، نسبت به مقوله این‌همانی دو چیز، مشکل‌تر به نظر می‌رسد. بنابراین، روش استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت باید برای متریبانی به کار برده شود که نسبت به متریبان روش پیشین، از ذهن فعال‌تر و منطقی‌تری برخوردار باشند.

۳. در این روش آموزشی، برای ایجاد اعتقاد به ربوبیت مطلق و نامحدود خداوند (هدف)، با توجه به پذیرش خالقیت او از طرف مخاطب (محتوا)، با استدلال به تلازم خالقیت و ربوبیت (روش)، توحید در ربوبیت آموزش داده شده است. بنابراین، مجموعه این هدف، محتوا و روش آموزشی، ارکان اصلی دومین برنامه درسی برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن را تشکیل می‌دهند.

#### ۳. استدلال به خلقت ممزوج با تدبیر

سومین نوع استدلال به خالقیت خداوند برای آموزش ربوبیت او در قرآن، استدلال به خلقت‌های ممزوج با تدبیر یا به عبارتی خلقت‌های مدبرانه است.

همان‌طور که پیش از این گفته شد، گاهی قرآن به خلقت‌های بسیط خداوند اشاره می‌کند که در آن تنها

خلقت مخلوق یا مخلوق‌هایی نقل شده است. گاهی نیز خلقت‌های خداوند به همراه تدبیر ملازم با آن نقل شده است که بحث آن گذشت. از این دو که بگذریم، گاهی به خلقت‌هایی اشاره شده است که ممزوج با تدبیر است به گونه‌ای که جدا کردن خلقت از تدبیر در یک فرآیند غیر ممکن است.

استدلال به خلقت ممزوج با تدبیر، روشی مناسب برای آموزش توحید در ربوبیت به افرادی است که با تفکیک میان خلقت و تدبیر، اولی را به خداوند و دومی را به غیر او نسبت می‌دهند. خداوند با این نوع استدلال، ثابت می‌کند که امکان تفکیک میان خلقت و تدبیر وجود ندارد و دو صفت خالقیت و ربوبیت در یک موجود جمع شده است که همان «الله» تعالی است.

برخی آیات مربوط به این روش و بحث درباره آن‌ها به شرح زیر است:

۱. «أولم یرو الذین کفروا لئن السماءوات والأرض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی أفلا یؤمنون، وجعلنا فی الأرض رواسی أن تمید بهم وجعلنا فیها فجاجا سیلا لعلهم یهتدون، وجعلنا السماء سقفا محفوظا وهم عن آیاتها معرضون، وهو الذی خلق اللیل والنهار والشمس والقمر کل فی فلک یسبحون» (انبیاء: ۳۰-۳۳)، «آیا کسانی که کافر شدند ندیدند که آسمان‌ها و زمین بسته بودند پس آن‌ها را بازگشادیم و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید کردیم؟ پس آیا ایمان نمی‌آورند؟ و در زمین کوه‌های استوار گران آفریدیم تا نلرزاندشان و در آن (در زمین یا در میان کوه‌ها) راه‌های فراخ قرار دادیم، باشد که [در سفرها به مقاصد خود] راه یابند. و آسمان را سقفی نگاه داشته ساختیم و آنان از نشانه‌های آن رویگردانند. و اوست که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید، هر یک در چرخه‌ای شناورند».

بنا بر نظر علامه طباطبایی، با توجه به این که آیات پیش از این آیات درباره نفی خدایان بت‌پرستان بوده است، همان خدایانی که - به زعم ایشان - تدبیر و ربوبیت عالم را به عهده دارند، این چهار آیه در مقام استدلال برای آموزش توحید در ربوبیت برای خداوند متعال است (طباطبایی، ۱۴/۲۷۷). منظور از این استدلال، همان استدلال به خلقت ممزوج به تدبیر خداوند است تا ثابت شود تدبیر از خلقت جدایی‌ناپذیر است؛ بنابراین، خالق و مدبر هم این‌گونه‌اند.

بر اساس این آیه، خلقت‌های ممزوج به تدبیر خاص عبارت است از:

- خلقت آسمان‌ها و زمین، ممزوج به تدبیر فتق بعد از رتق؛

- خلقت موجودات زنده، ممزوج به تدبیر آب بودن منشأ آن‌ها؛

- خلقت کوه‌ها، ممزوج به تدبیر استوار شدن و نلرزیدن زمین با آن؛

- خلقت راه‌های فراخ، ممزوج به تدبیر راه‌یابی انسان‌ها با آن؛

- خلقت آسمان، ممزوج به تدبیر سقف محفوظ بودن آن؛

- خلقت شب و روز، ممزوج به تدبیر قرار گرفتن ماه و خورشید در آن؛

- خلقت ماه و خورشید، ممزوج به تدبیر شناور بودن هر یک در مدار خود.

۲. «ألم نخلقكم من ماء مهين، فجعلناه في قرار مكين، إلی قدر معلوم، فقدونا فنعم القادرون، ویل یومئذ للمکذبین، ألم نجعل الأوض کفاتا، أحياء وأمواتا، وجعلنا فیها رواسی شامخات وأسقیناکم ماء فواتا، ویل یومئذ للمکذبین»، (مرسلات: ۲۰-۲۸)، «آیا شما را از آبی پست و بی ارج نیافریدیم؟ پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم، تا اندازه‌ای دانسته (دوران بارداری). پس توانا بودیم و نیکو توانا بودیم (یا: پس سرنوشت شما را تقدیر کردیم و نیکو تقدیر کردیم). در آن روز وای بر دروغ انگاران. آیا زمین را فراهم آورنده نساختیم، مردگان و مردگان را (که زندگان و مردگان را در خود جای دهد)؟ و در آن کوه‌های سخت استوار و بلند پدید کردیم و شما را آبی خوشگوار نوشاندیم. در آن روز وای بر دروغ انگاران».

در این مجموعه آیات نیز دو خلقت ممزوج به تدبیر خداوند برای استدلال بر توحید در ربوبیت او به کار رفته است که عبارت است از:

الف) خلقت ممزوج به تدبیر انسان

در چند آیه ابتدایی از این آیات، به خلقت ممزوج به تدبیر انسان اشاره شده است: خلقت اولیه او از آبی پست و ناچیز (نطفه) و تدبیر نسبت به قراردادن آن تا مدت مشخصی در رحم، و تقدیر حوادث، اوصاف و احوال آینده زندگی او شامل کوتاهی و بلندی عمر، چگونگی شمایل و زیبایی، سلامتی و بیماری، و وسعت و تنگی روزی (طباطبایی، ۲۰/۱۵۳).

ب) خلقت ممزوج به تدبیر زمین

در آیات بعدی، به خلقت ممزوج به تدبیر زمین اشاره شده است: خلقت زمین به گونه‌ای که همه انسان‌های زنده و مرده را در خود جای دهد و نگه دارد؛ و تدبیر نسبت به قرار دادن کوه‌های استوار و بلند برای استحکام آن؛ و جاری کردن نهرها و چشمه‌ها که معمولاً از دل کوه‌ها به سوی دشت‌ها سرازیر می‌شود (همان).

۳. «ولقد جعلنا فی السماء بوجا وزیفاها للناظرین، وحفظناها من کل شیطان وجمیم، إلا من استرق السمع فأتبعه شهاب مبین، والأوض مددناها وألقینا فیها رواسی وأنبتنا فیها من کل شیء ۞ موزون، وجعلنا لکم فیها معایش ومن لستم له برازقین، وإن من شیء ۞ إلا عندنا خزائنه وما ننزله إلا بقدر معلوم، وأوسلنا الویاح لواقع فأنزلنا من السماء ماء فأسقیناکموه وما أنتم له بخازنین، وإنا لنحنر نجیی ونمیست ونحنر الوارثون» (حجر: ۱۶-۲۳)، «و هر آینه در آسمان برج‌هایی پدید کردیم و آن را از بهر بینندگان بیاراستیم. و آن را از [ورود] هر شیطان رانده‌شده‌ای نگاه داشتیم؛ مگر آن که دزدانه سخنی بشنود، که شهابی روشن و

آشکارا دنبالش کند. و زمین را گسترده‌تر و در آن کوه‌های استوار افکنده‌تر و در آن از هر چیز سنجیده و به اندازه رویانیدیم. و در آن برای شما و آن‌ها که شما روزی دهنده آن‌ها نیستید (پرنندگان و حیوانات وحشی) اسباب زندگی و روزی قرار دادیم. و هیچ چیزی نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست، و آن را جز به اندازه معلوم فرو نمی‌فرستیم. و ما بادهای را باردارکننده [درختان] فرستادیم، و از آسمان آبی فرو فرستاده، شما را از آن سیراب ساختیم و شما ذخیره‌کننده و نگاهدار آن نیستید. و هر آینه ما زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و ما میراث برانیم (پس از شما همه چیز در اختیار ماست).»

در این آیات نیز موارد زیر از خلقت‌های ممزوج به تدبیر خداوند برای استدلال بر توحید ربوبی بر شمرده شده است (طباطبایی، ۱۳۸/۱۲-۱۴۶):

- خلقت ممزوج به تدبیر آسمان‌ها، به این‌که در آن برج‌هایی قرار داده شده<sup>۱۴</sup> و در چشم افرادی که به آن نگاه می‌کنند، با ستارگان و کواکب درخشان زینت داده شده است؛

- خلقت ممزوج به تدبیر زمین، به گسترش طولی و عرضی آن، قرار دادن کوه‌های استوار در آن، و رویاندن گیاهان، معادن و هر چیز موزون (دارای وزن و واقع در تحت جاذبه و یا متناسب) در آن؛

- خلقت ممزوج به تدبیر انسان و دیگر جانداران، به این‌که وسایل زندگی و ادامه حیات در اختیار آن‌ها قرار داده شده است؛

- خلقت ممزوج به تدبیر همه اشیاء از خزائن الهی، به اعطای وجود به آن‌ها در حد و اندازه مشخص و ایجاد انواع و افراد گوناگون به واسطه این تفاوت در حد وجود؛

- خلقت ممزوج به تدبیر بادهای، به این‌که آن‌ها وسیله بارورکردن نباتات قرار داده شده است؛

- خلقت ممزوج به تدبیر باران، به این‌که با نزول آن از ابرها آب لازم برای کره زمین و موجودات زنده آن تأمین شده است؛

- خلقت ممزوج به تدبیر همه عالم (تدبیر همه عالم در اختیار خداوند است).

در بررسی و تحلیل آیات پیش گفته، درباره روش استدلال به خلقت ممزوج با تدبیر برای آموزش توحید در ربوبیت، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. در این استدلال، برای ایجاد اعتقاد به ربوبیت مطلق و نامحدود خداوند (هدف)، با توجه به پذیرش خالقیت او از طرف مخاطب (محتوا)، با استدلال به خلقت‌های ممزوج با تدبیر (روش)، توحید در

۱۴. به نظر مفسران، منظور از برج‌های آسمانی، منزل‌گاه‌های خورشید و ماه است که به سبب قرار گرفتن در هر فصل و موقعی از سال در مقابل یکی از صورت‌های فلکی (مجموعه ستارگانی که شکل خاصی را به خود گرفته‌اند) می‌بینیم و می‌گوئیم خورشید مثلاً در برج حمل یا ثور یا میزان و عقرب است (ر.ک: طوسی، ۳۲۴/۶، قرطبی، ۹/۱۱، طباطبایی، ۱۳۸/۸؛ مکارم شیرازی، ۳۸/۸).

ربوبیت آموزش داده شده است. بنابراین، مجموعه این هدف، محتوا و روش آموزشی، سومین برنامه درسی برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن را تشکیل می‌دهند.

۲. در این برنامه درسی، روش، با محتوا و هدف آموزشی تناسب کامل دارد؛ زیرا این آیات با مخاطبی مواجه است که با تفکیک میان خلقت و تدبیر، خلقت را به خداوند و تدبیر را به غیر او نسبت می‌دهد. پس خداوند با این نوع استدلال، ثابت می‌کند که امکان تفکیک میان این دو وجود ندارد.

۳. شکل کلی استدلال قیاسی مربوط به این آیات، که در همه آن‌ها مشترک است این گونه است:

- خداوند، خالق عالم هستی است؛

- خلقت عالم هستی ممزوج به تدبیر آن است؛

- نتیجه: خداوند، رب عالم هستی است.

## نتیجه‌گیری

از مجموع مباحث پیش‌گفته درباره روش استدلال به خالقیت خداوند برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. با توجه به این که توحید در ربوبیت، یکی از مراتب اعتقادی توحید است، و پذیرش امور اعتقادی، نه تقلیدی که تعقلی است، مناسب‌ترین روش برای آموزش توحید در ربوبیت، روش استدلال عقلی است؛ تا اعتقاد به آن، هر چه عمیق‌تر و محکم‌تر در وجود انسان قرار گیرد و ایمان قلبی به آن حاصل شود.

۲. بهترین روش استدلالی برای آموزش توحید در ربوبیت به مخاطبان غیر مسلمان زمان نزول قرآن، و نیز مخاطبان عام زمان‌های پس از آن، روش استدلال به خالقیت خداوند است؛ زیرا خالقیت خداوند، اعتقادی ساده و در عین حال اساسی است که هر دو دسته - بدون هیچ شک و شبهه‌ای - آن را دارا هستند؛ و آموزش دهنده می‌تواند بنای رفیع توحید در ربوبیت را بر پایه‌های محکم اعتقاد به خالقیت خداوند استوار نماید.

۳. روش استدلال به خالقیت خداوند برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن، دارای سه شیوه «استدلال به این‌همانی خالقیت و ربوبیت»، «استدلال به تلازم ربوبیت و خالقیت»، و «استدلال به خلقت‌های ممزوج به تدبیر» است که هر سه آن‌ها آیات متعددی از قرآن را به خود اختصاص داده است.

۴. در همه آیات شامل روش استدلال به خالقیت خداوند، در هر سه شیوه آن، توحید در ربوبیت با استفاده از استدلال‌های منطقی ساده‌ای به شکل قیاس آموزش داده شده است.

۵. از شیوه استدلال به این‌همانی ربوبیت و خالقیت خداوند به دست می‌آید که بسیاری از آیات

مربوط به خالقیت خداوند - به ویژه آیات همراه با جزئیات تدبیری - در واقع، آیات ربوبیت هستند و خداوند آن‌ها را برای اثبات توحید در ربوبیت به کار برده است.

۶. خلقت و تدبیر خداوند از هم تفکیک‌ناپذیرند و آیات مربوط به خلقت، به ویژه خلقت‌های مدبرانه یا ممزوج به تدبیر، بر ربوبیت خداوند دلالت می‌کنند.

۷. نتیجه نهایی این‌که: برای آموزش توحید در ربوبیت یعنی ایجاد اعتقاد به ربوبیت مطلق و نامحدود خداوند (هدف)، می‌توان به خالقیت خداوند (محتوا) با توجه به پذیرش آن از طرف مخاطب، استدلال نمود (روش). بنابراین، مجموعه این هدف، محتوا و روش آموزشی، ارکان اصلی یک برنامه درسی برای آموزش توحید در ربوبیت در قرآن را تشکیل می‌دهند. این برنامه درسی کلی، با توجه به وجود سه محتوای جزئی تر مربوط به خالقیت خداوند، به سه برنامه درسی جزئی تر تبدیل می‌شود.

## منابع

- قرآن کریم، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۶.
- ابن فارس، احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت: الدار الاسلامیه، ۱۴۱۰ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر، بی تا.
- آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۲.
- بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه دکتر باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۰.
- تایلر، رالف و.، اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی، ترجمه دکتر علی تقی پورظهیر، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۷۶.
- جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸.
- \_\_\_\_\_، توحید در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.
- جوهری، اسماعیل، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربیه، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.
- حسینی‌زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (ع): نگرشی بر آموزش تا تأکید بر آموزش دینی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸.
- حیدری، داود، منطق استدلال - منطق حملی، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۹.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن الکریم، تحقیق صفوان عدنان داوودی، قم: انتشارات ذوی القربی، ۱۳۸۴.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.

- سبحانی، جعفر، *مفاهیم القرآن*، بقلم الشيخ جعفر الهادی، قم: انتشارات توحید، ۱۴۰۴ ق.
- \_\_\_\_\_، *منشور جاوید*، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۳.
- سیف، علی اکبر، *روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری و آموزش)*، تهران: موسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۹.
- شانک، دیل اچ.، *نظریه های یادگیری (چشم اندازی تعلیم و تربیتی)*، ترجمه یوسف کریمی، تهران: نشر ویرایش، ۱۳۹۳.
- شایان مهر، علی رضا، *دائرة المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۷.
- شریعتمداری، علی، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- صادقی تهرانی، محمد، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۰۸ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر*، قم: انتشارات هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لاحکام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۶۴.
- کدیور، پروین، *روانشناسی تربیتی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها (سمت)، ۱۳۸۵.
- گروهی از نویسندگان، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، زیر نظر استاد محمدتقی مصباح یزدی، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۱.
- لفرانسوا، گی آر.، *نظریه های یادگیری انسان*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان، ۱۳۸۹.
- مشایخی راد، شهاب الدین، *تعلیم و تربیت دینی (مجموعه مقالات)*، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *خداشناسی*، تحقیق و نگارش امیررضا اشرفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵.
- مظفر، محمدرضا، *المنطق*، بیروت: دار التعارف، ۱۴۰۰ ق.
- معرفت، هادی، *التمهید فی علوم القرآن*، قم: مؤسسه التمهید، ۱۳۸۸.
- مکارم شیرازی، ناصر، *الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۲۱ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، و دیگران، *پیام قرآن*، قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۶۷.
- ملکی، حسن، *برنامه ریزی درسی (راهنمای عمل)*، تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹.
- موسوی سبزواری، عبدالاعلی، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، قم: انتشارات دار التفسیر، ۱۴۳۱ ق.
- موسوی همدانی، محمدباقر، *ترجمه تفسیر المیزان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴.

مهر محمدی، محمود، برنامه درسی: نظرگاه‌ها، روی‌کردها و چشم‌اندازها، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی،  
۱۳۸۱.

هیلگارد، ارنست و باور، گوردون، نظریه‌های یادگیری، ترجمه محمدنقی براهنی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی،  
۱۳۷۱.

